فهرست مطالب

[خطبه اول 2](#_Toc465898770)

[مفهوم نصیحت 2](#_Toc465898771)

[نصیحت در آیات قرآن 3](#_Toc465898772)

[رابطه روحیات با اعمال انسان 3](#_Toc465898773)

[نصیحت صفت درونی و اجتماعی 4](#_Toc465898774)

[نصیحت پایه اصلی اجتماعی 5](#_Toc465898775)

[نصیحت در روایات 5](#_Toc465898776)

[خطبه دوم 7](#_Toc465898777)

[گفتگوی تمدن‌ها 7](#_Toc465898778)

[روابط دیپلماسی کشور 8](#_Toc465898779)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# خطبه اول

اعوذبالله بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه**[[1]](#footnote-1)**؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»**[[2]](#footnote-2) **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

موضوعی که امروز مطرح می‌کنیم؛ موضوع نصیحت و خیرخواهی در جامعه اسلامی است، اخلاق اجتماعی و اصولی؛ ازنظر اسلام در میان جامعه باید موردتوجه قرار بگیرید، یکی از اصول و قواعد اخلاق اسلامی؛ عنوانی به نام نصیحت می‌باشد که در روایات متعدد؛ پیشوایان معصوم ما و ائمه طاهرین؛ ما را به این اخلاق و تنظیم روابط اجتماعی ما بر اساس این اصل و قاعده دعوت و سفارش کرده‌اند.

# مفهوم نصیحت

در اصطلاح امروزی نصیحت یعنی تذکر خیرخواهانه به دیگری دادن، در قرآن کریم واژه نصیحت آمده است؛ ازجمله از زبان بعضی از پیامبران در سوره اعراف و در سوره توبه نقل‌شده است که پیامبری خطاب به امتش می‌فرمود: «ابلغکم رسالات ربّی و انا لکم ناصحٌ امین»[[3]](#footnote-3) پیامبر خدا به مردمش فرمودند: که من رسالت‌های خدا را به‌سوی شما و برای شما عرضه می‌کنم و من به‌عنوان رسول خدا؛ ناصح و امین برای شما هستم؛ خیرخواه و امانت‌دار در ابلاغ رسالت الهی هستم.

# نصیحت در آیات قرآن

در آیات دیگر قرآن تعبیر نصیحت آمده است و تأکید بر اینکه؛ از اوصاف انبیاء و هدایت گران مردم؛ ناصح بودن و نصیح‌گری است؛ همین مفهوم را در قریب به صد روایت داریم.

با توجه به اینکه این مفهوم هم در قرآن آمده و اوصاف انبیاء شمرده‌شده است و هم در روایات ما را ترغیب کرده‌اند به اینکه اهل نصیحت باشید و ناصح یکدیگر باشید؛ مطالب مهمی را در مورد نصیحت عرض می‌کنم.

اصل معنا و مفهوم نصیحت؛ خلوص و پاکی است، این معنا وقتی‌که در قلب به کار می‌رود؛ نصیحت یعنی پاکی قلب، خالص بودن قلب و اینکه قلب در آن کدورت نباشد.

معنای نصیحت در روابط اجتماعی قرار می‌گیرد؛ معنایش این است که؛ قلب انسان در ارتباط با برادران و خواهران دینی خودش و دیگر افراد جامعه؛ قلب پاک و منزه ای از کودرت ها باشد.

قلبی که آلوده به حسادت، کینه، دشمنی نسبت به دیگران نباشد؛ طبعاً این قلب؛ دلسوز و خیرخواه دیگران می‌شود، ازاین‌جهت است که؛ اصل معنای نصیحت؛ خلوص و پاکی است؛ اما در اصطلاحات اخلاقی؛ نصیحت؛ یعنی دلسوزی، خیرخواهی و نداشتن غرض و آلودگی نسبت به دیگران است.

گاهی اوقات کسی در محیط کار؛ نسبت به برادران همکار خودش؛ دل مریضی دارد و انگیزه‌های شرورانه‌ای دارد؛ غرضش این است که به دیگران لطمه بزند؛ این قلب مریضی دارد.

نقطه مقابلش؛ قلبی که نسبت به دیگران پاک است؛ صفای باطن دارد؛ اهل آلودگی در ارتباط با دیگران نیست، دلش می‌خواهد که دیگران دارای سلامت و وضع خوبی باشد؛ لازمه قلب پاک؛ دلسوزی و خیرخواهی است.

وقتی انگیزه‌های درونی ما؛ و روحیات و اخلاقیات که در عالم درون ما هست؛ در اعمال و رفتار ما ظاهر می‌شود؛ مثلاً اگر در دل کسی شجاعت وجود دارد؛ طبعاً در معرکه‌های خطرخیز؛ در عملش این شجاعت ظاهر می‌شود، اگر کسی در درونش صفت و خصلت بخل باشد؛ در موقعی که باید ببخشد و بذل و عنایت بکند؛ این کار را انجام نمی‌دهد.

## رابطه روحیات با اعمال انسان

همین‌طور روحیات ما؛ پشتوانه اعمال و رفتار و گفتار ماست؛ هر چه در درون هستیم؛ همان‌طور در عالم ظاهر تجلّی می‌کنیم؛ همان‌طور که خود را ساخته‌وپرداخته‌ایم؛ همان‌طور که اخلاق‌هایی برای خود ایجاد کرده‌ایم؛ همان‌طور حرف می‌زنیم، همان‌طور رفتار می‌کنیم و در درازمدت همه حقائق درون انسان روشن می‌شود؛ البته قسمت خیلی عمیقش در روز قیامت معلوم می‌شود.

بنابراین نصیحت یعنی خیرخواهی، دلسوزی و قلب پاک داشتن در ارتباط با دیگران؛ اما این خیرخواهی و دلسوزی مثل آن بدخواهی که نقطه مقابل او هست؛ اوصاف قلبی که در اعمال و گفتار ما ظاهر می‌شود.

یکی از نمودهای نصیحت این است که؛ انسان در گفتن؛ راهنمای دیگران باشد؛ راه نیک و پسندیده را به دیگران نشان بدهد.

## نصیحت صفت درونی و اجتماعی

درنتیجه نصیحت به‌عنوان یک اصل اخلاقی و اجتماعی اسلام؛ یک صفت درونی است و آن عبارت است از: دلسوزی و خیرخواهی نسبت به خلق خدا و برادران و خواهران دینی و اعضا و افراد جامعه

همین حالت قلبی در ظاهر هم بروز پیدا می‌کند؛ یعنی حرف زدنی که از خیرخواهی و دلسوزی باشد؛ اشکال کردنی که؛ دلسوزانه و خیرخواهانه باشد، به کار خوب و خیرخواهی هم گاهی نصیحت می‌گویند.

یک پیامبر در مقابل امتش؛ دلسوز و خیرخواه است و از سر دلسوزی و خیرخواهی به هدایت و تذکر به جامعه می‌پردازد.

اسلام می‌گوید در محیط اجتماعی؛ روابط ما باید بر اساس این پایه اخلاق درونی بنا بشود؛ یعنی رشته ارتباط جامعه با یکدیگر؛ آن حلقه وصلی که باید دانه‌های افراد جامعه را به هم متصل بکند؛ یعنی دل‌های پاک، خیرخواه و دلسوز نسبت به یکدیگر؛ مقصود اسلام است، اسلام هدفش قلب و پاک‌سازی درون است و می‌گوید که باید ازآنجا شروع بشود.

اسلام می‌گوید که همان‌طوری که برای خودت خیر می‌خواهی؛ برای دیگران هم خیرخواه باش و جامعه‌ای روی سعادت و خوشبختی می‌بیند که؛ قلوب افراد آن جامعه؛ بر اساس این اصل اجتماعی اسلام و اخلاق انسانی و الهی شکل‌گرفته و پرورش‌یافته باشد.

خانه‌ای که زن نسبت به همسرش بدخواه است؛ مرد نسبت به همسرش بدخواه است؛ اعضای یک خانواده باهم بدخواهی داشته باشند؛ اضطراب و دلهره در آن خانه ایجاد می‌شود و اصولاً سلب اعتمادی که بر آن جامعه حاکم می‌شود؛ همه احساس می‌کنند که؛ طرفش فقط منافع شخصی‌اش را می‌بیند؛ مطلقاً به فکر دیگری و خیرخواه دیگری نیست.

## نصیحت پایه اصلی اجتماعی

اگر اصل و قرار اولیه بر این پایه مهم اخلاقی اجتماعی باشد که قلب‌ها متمایل به یکدیگر باشند و رشته محبت بر دل‌ها حاکمیت داشته باشد و درخت خیرخواهی و نصیحت بر خلق‌ها سایه افکنده باشد؛ این جامعه همه به هم تمایل دارند؛ همه اعضا به کمک همدیگر می‌شتابند و راهنمای یکدیگر می‌شوند و در سختی‌ها و دشواری‌ها یکدیگر را معاونت و مساعدت و کمک می‌کنند، مؤمن دل‌پاک و قلبی منزه دارد و خیرخواه دیگران است.

انسان خیرخواه و دلسوز کسی است که؛ هم راه خوب را نشان می‌دهد و وقتی کسی راه خطایی می‌رود؛ به او تذکر می‌دهد و لذا در روایات ما؛ گاهی نصیحت به معنای نقد و اشکال‌گیری به‌کاررفته است.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند: « اتَّبِعْ مَنْ يُبْكِيكَ وَ هُوَ لَكَ نَاصِحٌ، وَ لَاتَتَّبِعْ مَنْ يُضْحِكُكَ وَ هُوَ لَكَ غَاش‏»[[4]](#footnote-4) مبنای دوستی و رابطه خودت را با دیگران؛ بر این قرار نده که؛ دوست تو کسی است که اشکال تو را نگوید؛ ملاک دوستی واقعی این است که؛ خیرخواه تو باشد و این خیرخواهی گاهی به راهنمایی؛ گاهی به تشویق و گاهی به شما تذکر بدهد که این راه اشتباهی است که شما انتخاب کردید، اشکال گرفتن و نقد؛ اگر از پایگاه دلسوزی و خیرخواهی باشد؛ بسیار چیز خوبی است.

## نصیحت در روایات

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: اگر کسی با اشکال‌گیری تو را به گریه می‌اندازد؛ اما خیرخواه توست؛ به دنبال او باش؛ او رفیق واقعی توست، اما کسی که تو را به خنده می‌اندازد و دلسوز تو نیست؛ خیر و سعادت تو را نمی‌خواهد؛ از او پرهیز بکن، از حقوق مؤمن این است که؛ انسان خیرخواه برادر دینی‌اش باشد که در روایات ذکرشده است.

امیر المومنین خطاب به مردم می‌فرمایند: من به‌عنوان حاکم شما؛ با شما یک حقوق متقابل دارم؛ من به‌عنوان حاکمی که شما با او بیعت کرده‌اید؛ حقوق متقابلی داریم؛ یکی از حقوق دولت و ملت؛ حاکم و مردم که در هر دو سو امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به آن اشاره کردند؛ نصیحت است، می‌فرمایند: « فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالنَّصِيحَةُ لَكُمْ»[[5]](#footnote-5)حق شما بر من خیرخواهی من نسبت به شماست، من به‌عنوان حاکم شما و امین شما؛ همه وجودم باید؛ شعله خیرخواهی و راهنمایی شما باشد، این نصیحت اولش این است که؛ فرد قلب پاک داشته باشد و مملو از خیرخواهی برای جامعه خودش است، دوم اینکه در فراز و نشیب‌ها راهنمایی بکند و سوم اینکه؛ اشکالاتشان را به آن‌ها بگوید.

و بعد فرمودند: «وَ أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَ النَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيبِ»[[6]](#footnote-6) حق من هم بر شما ؛ یعنی وظیفه شما در قبال من هم نصیحت در حضور و غیبت؛ در آشکار و نهان و در همه احوال است؛ حق حاکمان و حکومت و مسئولانتان بر شما مردم؛ خیرخواهی آن‌هاست؛ یعنی احساس شود که مسئول وجودش؛ وجود خیرخواهانه است و دنبال منافع شخصی‌اش نیست و از وجود او خیر برای دیگران و برکات برای دیگران سرایت بکند.

مردم و دولت خیرخواه همدیگر باشند؛ از منافع شخصی خود بیرون بیایند و منافع دیگران را در نظر بگیرند و نهایتاً اشکالات یکدیگر را به هم بگویند.

پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلّم می‌فرمایند: «لینصح رجل منکم اخاه کانصیحته بنفسه»[[7]](#footnote-7) شما خیرخواه برادرتان در محیط جامعه باشید؛ همان‌طور که خیر را برای خودتان می‌خواهید.

و در روایتی که هم از ائمه و هم از پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلّم نقل‌شده این است: « مَن اَصبَحَ وَ لَم یَهتَمَّ بِاُمورِ المُسلِمینَ فَلَیسَ بِمُسلِم »[[8]](#footnote-8) این روایت را هم شیعه و هم سنی نقل کرده‌اند.

می‌فرمایند: کسی سر از بستر بردارد و چشم از خواب باز کند و در فکر برادران دینی و جامعه خودش نباشد؛ مسلمان نیست، حداقل وظیفه مسلمان این است که در فکر مشکلات جامعه و برادران و خواهران دینی خود باشد.

در یک نقل دیگر رسول گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی‌الله علیه و آله و سلّم می‌فرمایند: « من لا يهتم بأمر المسلمين فليس منهم‏»[[9]](#footnote-9) کسی که اهتمام به امور اجتماعی مسلمانان نداشته باشد؛ مسلمان نیست « و من لا يصبح و لا يمسي ناصحا لله و لرسوله و لكتابه و لإمامه و إمامة المسلمين فليس منهم‏»[[10]](#footnote-10) و کسی که روز خود را به خیرخواهی برای خدا، رسول خدا و رهبر جامعه و همه برادران دینی و ایمانی‌اش سپری نکند؛ او هم مسلمان نیست.

مبنای مسلمانی این هست که فرد؛ در هر روز بخشی از قلب و عمل و برنامه او؛ به اندیشه و خیرخواهی برای خدا و رسول خدا و حکومت خودش و عموم جامعه بپردازد.

### خطبه دوم

اعوذبالله بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه**[[11]](#footnote-11)**؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»**[[12]](#footnote-12) **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

بار دیگر همه شما خواهران و برادران گرامی و خود را به تقوا و پارسایی؛ پرهیز از آلودگی‌ها و هواهای نفسانی به یاد مرگ و عوامل پس از مرگ و در نظر گرفتن ارتحال از این عالم و نهادن همه آنچه خداوند به ما داده است و کوچ کردن به‌سوی خداوند و ذکر و یاد خداوند و شکر خداوند در احوال؛ سفارش و دعوت می‌کنم.

امیدواریم همه ما را خداوند؛ از بندگان شاکر و ذاکر خود قرار بدهد.

در هفته‌های اخیر در کشور ما؛ دریکی از استان‌های کشور؛ جمعی از جاسوسان دستگیر شدند و ازنظر مذهب هم یهودی هستند.

### گفتگوی تمدن‌ها

بااینکه کشور ما رابطه خوب با جامعه بشری دارد و از شعارهای اخیر رئیس‌جمهور ما؛ گفتگوی تمدن‌هاست و خود دنیا هم این را در حد زیادی پذیرفته‌اند که ما حتی در جنگ هشت‌ساله هم کشور متجاوزی نبودیم و نظام ما و کشور ما اغتشاش در دنیا بکند و روابط ناسالمی را با کشورهای دنیا داشته باشد؛ چنین داعیه‌ای کشور ما نداشته است، ما کشوری دارای فکر و ایده‌های الهی هستیم و از آن دفاع می‌کنیم و همین‌طور از کشورمان و نوامیسمان و افکار و اهداف خودمان دفاع می‌کنیم.

وقتی‌که در کشور ما کسانی به‌عنوان جاسوس دستگیر می‌شوند؛ ناگهان مجلس فرانسه یا کنگره آمریکا طوری اخبار را بگویند که این افراد بدون هیچ دلیلی در اینجا دستگیر شدند. برخورد سایر کشورها با جاسوسان و محاکمه آن‌ها یک امر رایج و جاافتاده‌ای است.

برخورد مجلس‌های اروپایی در مقابل برخورد با این جاسوسان یک برخورد غیر دیپلماسی است.

در کنار این قضیه؛ دفاعی که در کنگره آمریکا از منافقین به عمل آمد، حداقل چیزهایی که ما در ارتباط با آمریکا می‌گوییم؛ این‌ها به آن توجه ندارند، همیشه گفته‌ایم که آمریکا سر عقل بیاد و به خاطر آن‌همه جنایت و خسارتی که نسبت به کشور ما اعمال کرده است؛ عذرخواهی بکند و جبران بکند و تعهد روشن باشد.

در بهترین شرایط که همه می‌دانند که کشور ما باکسی جنگ ندارد؛ آمریکا در کنگره‌شان آمدند؛ دفاع از منافقین کردند؛ سازمانی که در لیست خودشان هم؛ جزء لیست سازمان‌های تروریستی دنیاست.

ما نباید پیش‌قدم در جنگ‌ودعوا باشیم، منطق و فکر و ایده الهی و انسانی داریم و باید اهل گفتگو و بحث و مذاکره درست باشیم و منطق و بینش صحیح خودمان را به دنیا نشان بدهیم، اما همیشه باید هوشیار باشیم.

کنگره آمریکا بااین‌همه ادعای آزادی‌خواهی و حقوق بشر از تروریست حمایت می‌کنند.

نکته بعدی در سیاست‌های خارجی ما بود که در هفتادمین جلسه‌ای که شورای همکاری کشورهای خلیج‌فارس برگزار کردند؛ با پیش‌قدمی کشور ما و بر اساس اصول و عزت و حکمت و مصلحتی که سیاست اصلی خارجی کشور ماست؛ دست دوستی به همه کشورهای خلیج‌فارس دراز کردیم؛ آن‌ها هم فهمیدند که باید با ایران خوب باشند.

### روابط دیپلماسی کشور

دیپلماسی کشور ما در زمان جنگ هم می‌گفت؛ متجاوز را کنار بگذارید؛ ما با همه شماها روابط سالم و منطقی و درست برقرار می‌کنیم.

روابط خوب با عربستان در حال شکل‌گیری است و آمریکایی‌ها به خاطر اینکه این روابط به سرانجام نرسد؛ یک ادعای پوچی را در مورد جزایر سه‌گانه کشور ما مطرح کردند و این را یک بهانه‌ای کردند برای اینکه روابط ما را بر هم بزنند.

امروز فهمیدند که این جزایر سه‌گانه متعلق ایران است و حرف آمریکا باطل است، اگر به مستندات و مدارک معتبر بخواهیم ارائه بدهیم؛ بسیاری از کشورها جزء قلمرو حوزه نفوذ ایران بودند.

جلسات قبلی شورای خلیج‌فارس یک‌طرفه همراه امارات می‌شدند؛ اما در این جلسه با توجه به بهبود روابطی که ما با عربستان شد؛ فکر می‌شد که این مسئله را کنار بگذارند، اما متأسفانه بازهم این حرف پوچ به میان آمد.

امیدواریم کشورهای حوزه خلیج‌فارس بدانند و بفهمند و احساس کنند که ایران دوست آن‌هاست و در دنیای امروز نیاز به همراهی و هنگامی داریم؛ اگر این همراهی بشود؛ دشمنان اسلام نسبت به این‌همه جمعیت اسلام کوتاه خواهند آمد و دست از ظلم و ادعاهای زورشان بر خواهند داشت.

وظیفه پدر و مادران و جامعه ماست که نسبت به نسل جوان و نوجوان در تابستان و موقع تحصیل و همیشه با درایت و برنامه‌ریزی و با صبر و دقت رفتار بکنند.

جمعیت بزرگ جامعه ما؛ جزء با برنامه‌ریزی و فکر و پاسخ دادن به سؤالات و نیازهایشان و معاشرت با آن‌ها بر اساس اصول صحیح و اخلاقی امکان‌پذیر نیست.

احترام لازم و بهاء لازم را به جوان و نوجوان بدهیم و در کنار این بهاء دادن می‌شود او را راهنمایی کرد و شاید نظراتی و نقدهایی داشته باشند که ما باید آن‌ها را بشنویم، این رابطه دوطرفه و سالم اگر برقرار بشود اطمینان داشته باشید که جلوی بسیاری از آسیب‌ها و خطرها را گرفته می‌شود.

خیلی از آسیب‌ها را با نیرو انتظامی و دادگاه و کلانتر نمی‌شود حل کرد و باید ریشه مشکل را پیدا کرد و با نظارت و کنترل درست این مشکلات قابل‌حل است؛ خواه در درون خانه یا بیرون جامعه باشد.

1. . اعراف (7): 43. [↑](#footnote-ref-1)
2. . آل‌عمران (3): 102. [↑](#footnote-ref-2)
3. . اعراف(7)؛ 68. [↑](#footnote-ref-3)
4. - اصول کافی(دارالحدیث)، ج4، ص 685 [↑](#footnote-ref-4)
5. - نهج البلاغه، خطبه 34 [↑](#footnote-ref-5)
6. - نهج البلاغه خطبه 34 [↑](#footnote-ref-6)
7. - لئالی الاخبار ص 605 [↑](#footnote-ref-7)
8. - کافی ج 2 ص 164 ح 5 [↑](#footnote-ref-8)
9. - مکاتیب الرسول، ج2، ص 625 [↑](#footnote-ref-9)
10. - همان [↑](#footnote-ref-10)
11. . اعراف (7): 43. [↑](#footnote-ref-11)
12. . آل‌عمران (3): 102. [↑](#footnote-ref-12)